

**آموزش وپرورش** مهم‌ترین دستگاه و نهاد برای زندگی کشور است، اما آیا دانش‌آموزان را برای زندگی آماده می‌کند؟

آموزش‌وپرورش مهم‌ترین نهاد سازنده آینده هر کشور است؛ چراکه آینده یک جامعه پیش از آنکه در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌ها ساخته شود، در کلاس‌های درس و در شخصیت دانش‌آموزان شکل می‌گیرد.

با این حال، یکی از پرسش‌های اساسی امروز این است که آیا نظام آموزشی ما دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی آماده می‌کند یا عمدتاً آنان را برای امتحان و کسب نمره؟

دانش‌آموز ممکن است سال‌ها درس بخواند، نمرات خوبی کسب کند و حتی وارد دانشگاه شود، اما همچنان نداند چگونه با شکست مواجه شود، چگونه خشم خود را مدیریت کند، چگونه تصمیم بگیرد، چگونه با دیگران گفت‌وگو کند، چگونه پول خود را مدیریت کند، چگونه یک مسئله را حل کند و چگونه برای آینده خود مسیر مناسبی انتخاب کند.

این واقعیت نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک تغییر نگاه بنیادین است.

هدف آموزش‌وپرورش نباید فقط تربیت دانش‌آموز باسواد باشد؛ بلکه باید تربیت انسان توانمند، مسئول، اخلاق‌مدار، خلاق، کارآفرین و آماده زندگی باشد.

**مدرسه چگونه باید از محل آموزش به مدرسه زندگی تبدیل شود؟**

مدرسه فقط محلی برای انتقال محفوظات و مفاهیم کتاب‌های درسی نیست. مدرسه باید نخستین محیطی باشد که دانش‌آموز در آن زندگی اجتماعی را تجربه می‌کند، گفت‌وگو می‌کند، دوست پیدا می‌کند، اختلاف پیدا می‌کند، شکست می‌خورد، دوباره تلاش می‌کند، مسئولیت می‌پذیرد و یاد می‌گیرد چگونه با دیگران زندگی کند.

از همین رو، آموزش مهارت‌های زندگی باید از حاشیه برنامه آموزشی خارج شده و به یکی از ارکان اصلی نظام تعلیم و تربیت تبدیل شود. خودآگاهی، اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس، مدیریت هیجان، کنترل خشم، ارتباط مؤثر، همدلی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و مهارت مدیریت زمان، سواد مالی، تاب‌آوری و مهارت «نه گفتن» از جمله مهارت‌هایی هستند که دانش‌آموز برای موفقیت در زندگی به آنها نیاز دارد.

این مهارت‌ها را نمی‌توان فقط با چند صفحه کتاب یا چند ساعت سخنرانی آموزش داد. مهارت باید تجربه شود، تمرین شود و در زندگی واقعی به کار گرفته شود.

**چرا آموزش باید فراتر از انتقال دانش و «انسان بودن» باشد؟**
پیش از آنکه بخواهیم از دانش‌آموز آینده یک متخصص، مدیر، کارآفرین یا نیروی کارآمد بسازیم، باید از او یک انسان خوب و مسئول بسازیم. انسانی که احترام به دیگران را بداند، مسئولیت رفتار خود را بپذیرد، با دیگران همدلی کند، دروغ و تقلب در راه موفقیت نداند، در برابر مشکلات تسلیم نشود و بتواند میان خواسته‌های فردی و مسئولیت اجتماعی تعادل برقرار کند.

اگر آموزش و پرورش بتواند دانش‌آموزانی تربیت کند که علاوه بر دانش، اخلاق، شخصیت، مسئولیت‌پذیری و مهارت زندگی برخوردار باشند، بخش مهمی از آینده کشور را ساخته است.

**چرا آموزش‌وپرورش باید از آموزش برای استفاده به آموزش برای کارآفرینی و زندگی حرکت کند؟**

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که نظام آموزش‌وپرورش ایران به آن نیاز دارد، تغییر در نگاه به مفهوم «موفقیت» در آموزش است. سال‌هاست بخش قابل‌توجهی از مسیر آموزشی دانش‌آموزان به‌گونه‌ای طراحی شده که مقصد نهایی آن، ادامه تحصیل، گرفتن مدرک و در نهایت پیدا کردن یک شغل باشد؛ در حالی که جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به انسان‌هایی نیاز دارد که بتوانند مسئله را بشناسند، راه‌حل پیدا کنند، مهارت بیاموزند، ایده بدهند و حتی برای خود و دیگران فرصت شغلی ایجاد کنند. مدرسه نباید صرفاً محلی برای انتقال محفوظات و آماده‌سازی دانش‌آموز برای آزمون و

**معیارهای درست ازدواج و هم کنوی چیست و برای داشتن یک ازدواج موفق، چه چیزهایی را باید مد نظر قرار داد؟**
بلندپرواز، به دنبال شاهزاده‌ای با سب سفید بودن تا شبیه سیندرلا را دیگر شاهزاده‌های دیزنی، به اسرافشان بیاید و برایشان در قصری بزرگ و جذاب جشنی بزرگ برگزار کنند. حالا اما چه دخترها و چه پسرها فهرست بلندبالایی از ویژگی‌هایی برای شریک زندگی‌شان ردیف می‌کنند که اگر یکی از این ویژگی‌ها هم در طرف مقابل وجود نداشته باشد، فرد مورد نظر«کنسل است»! این فرهنگ کنسل شدن پسرهای قد کوتاه یا دخترهای ساکن فلان منطقه به پایین! یا در نظر گرفتن معیارهایی همچون مدل ماشین و شغل و تک‌فردزندگی اگرچه در فرهنگ عامه مرسوم راه یافته بود، اما برخی برنامه‌ها و شوهایی اینستاگرامی و یوتیوبی، تغییر دافقه‌ای را در جامعه رقم‌دهه که می‌تواند ازدواج نسل z که مخاطبان اصلی این برنامه‌ها هستند و جوانان دم بخت امروزی محسوب می‌شوند را با چالش‌های جدی مواجه کند و آن‌ها را به انتخاب‌هایی بکشاند که ممکن است خیلی زود از آن پشیمان شوند! اما معیارهای درست ازدواج و هم کنوی چیست و برای داشتن یک ازدواج موفق و زندگی پایدار، به جز قد و وزن و مدل ماشین، چه چیزهایی را باید مد نظر قرار داد؟

اگر پای صحبت مادرپسرنز و پدربزرگ نشینید حتماً با این دعای خیرشان مواجه شده‌اید

که «لایه هم کفوت نصیب تو شود.» اما این هم

کفوی در ازدواج چیست و به چه معناست و چرا

یکی از مهم‌ترین معیارهای ازدواج همین هم کفو

بودن است؟

**نظام آموزش‌وپرورش اگر قرار است دانش‌آموز را برای آینده آماده کند، نمی‌تواند در چارچوب نمره، آزمون و مدرک متوقف بماند؛ مدرسه باید از محلی برای انتقال محفوظات به محیطی برای یادگیری مهارت‌های زندگی، پرورش انسان، کارآفرینی و مواجهه با دنیای جدید تبدیل شود؛ تغییری که به نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری ضرورت آن احساس می‌شود.**
**نظام آموزش‌وپرورش در حالی همچنان بخش مهمی از مسیر خود را بر آموزش دروس و سنجش دانش‌آموزان با نمره و آزمون استوار کرده است که**

# مدرسه باید انسان را برای زندگی آماده کند

**چرا باید از نمره‌محوری به مهارت‌محوری حرکت کنیم؟**

نمره باید وسیله‌ای برای سنجش یادگیری باشد، نه هدف نهایی آموزش. یکی از چالش‌های مهم نظام آموزشی آن است که گاهی موفقیت شرکت و کسب درآمد تلقی شود. کارآفرینی یعنی توانایی دیدن فرصت در دل مسائل، داشتن روحیه حل مسئله، پذیرفتن مسئولیت و تبدیل یک ایده به ارزش. دانش‌آموزی که یاد می‌گیرد یک مشکل ساده در مدرسه یا محله خود را شناسایی و برای آن راه‌حل ارائه کند، در واقع بخشی از مهارت کارآفرینی را آموخته است.

از این منظر، آموزش‌وپرورش باید به‌تدریج از «مدرک‌محوری» به «مهارت‌محوری»، از «حفظ کردن» به «یاد گرفتن و به‌کارگرفتن» و از «آماده شدن برای استخدام» به «آماده شدن برای زندگی و خلق فرصت» حرکت کند.

در چنین رویکردی، دانش‌آموز باید در کنار ریاضی، علوم، ادبیات و سایر دروس، مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، سواد مالی، سواد رسانه‌ای و دیجیتال، کار تیمی، حل مسئله، تفکر انتقادی، استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی، مدیریت زمان و آشنایی با کسب‌وکار را نیز بیاموزد.

همچنین ارتباط مدرسه با دانشگاه، صنعت، شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز نوآوری و محیط واقعی کسب‌وکار باید تقویت شود. دانش‌آموز نباید تا پایان دوران مدرسه فقط درباره کار و حرفه بشنود؛ بلکه باید فرصت داشته باشد مشاغل مختلف را بشناسد، با مسائل واقعی جامعه آشنا شود و تجربه‌های عملی متناسب با سن خود به دست آورد.

هدف نهایی این تحول، حذف آموزش علمی یا دانشگاهی نیست؛ بلکه تکمیل آن با مهارت و تجربه است. جامعه‌ای موفق‌تر خواهد بود که دانش‌آموز آن فقط به دنبال این نباشد که «چه کسی مرا استخدام می‌کند؟»، بلکه بتواند در آینده از خود بپرسد: «چه مسئله‌ای می‌توانم حل کنم؟ چه ارزشی می‌توانم ایجاد کنم؟ و چگونه می‌توانم برای خود و دیگران فرصت بسازم؟»

آموزش‌وپرورش آینده باید نسلی تربیت کند که نه فقط برای امتحان، مدرک و استخدام، بلکه برای زندگی، کار، گذراندن نمره آماده می‌شود، یا برای ساختن آینده خود و جامعه؟



**فاصله از خیال‌پردازی و کمال‌گرایی**

حجت‌الاسلام روحالله دوستی مشاور و کارشناس خانواده و ازدواج درباره معیارهای انتخاب در ازدواج و پیشنهادی آن تأکید می‌کند: «در امر ازدواج باید از خیال‌پردازی و کمال‌گرایی فاصله بگیریم.» وی با اشاره به آسیب‌هایی که بلاگرها و فضای مجازی به معیارهای واقعی ازدواج و زندگی مشترک زده‌اند ادامه می‌دهد: «زندگی تنها استوری گذاشتن و خاطره خوب داشتن نیست. ازدواج بانیش بر رشد طرفین است؛ اینکه بتوانیم طرف مقابل را

# تغییر دافقه در شبکه‌های اجتماعی و تقلیل معیار ازدواج به قد و مدل ماشین

درک کنیم، از خودگذشتگی کنیم، احساسمان را به اشتراک بگذاریم، حال خوبمان را به اشتراک بگذاریم، در سختی‌ها کمک کار هم باشیم و همدیگر را به خوبی یک آرمان آلهی سوق دهیم نه صرفاً اینکه کنار هم خوش باشیم.»

دوستی با اشاره به اینکه زن و مرد باید فضای رشد دیگری را فراهم کنند می‌افزاید: «این رشد هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ عاطفی است.»

از نگاه این مشاور خانواده معیارهایی که امروز

اجتماعی
Ejtemaee @kayhan.ir

**نیازهای زندگی واقعی، مهارت‌آموزی، کارآفرینی، مسئولیت‌پذیری و مواجهه با فناوری‌های نوین، ضرورت بازنگری در مأموریت مدرسه را بیش از گذشته مطرح کرده است؛ خبرگزاری فارس، در گفت‌وگو با «رضا فرخ تبار» کارشناس آموزش و پرورش و فعال رسانه به این موضوع پرداخته است. گفت‌وگویی که بر ضرورت حرکت آموزش‌وپرورش از «مدرک‌محوری» و «نمره‌محوری» به سمت مهارت‌محوری، انسان‌سازی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی تأکید دارد.**



**چرا معلم محصور اصلی تحول آموزش‌وپرورش است؟**

هیچ تحول پایداری در آموزش‌وپرورش بدون تحول در جایگاه و نقش معلم امکان‌پذیر نیست. اگر قرار است آموزش از نمره‌محوری به مهارت‌محوری و از آموزش برای استفاده به مدرسه باید دانش‌آموزی تربیت کند که فقط نداند «چه چیزی را باید حفظ کند»، بلکه بداند چگونه فکر کند، چگونه باید بگیرد، چگونه مسئله حل کند و چگونه آموخته‌های خود را به عمل تبدیل کند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.

آینده متعلق به کسانی نیست که فقط اطلاعات بیشتری حفظ کرده‌اند؛ بلکه متعلق به کسانی است که می‌توانند آموخته‌های خود را به مهارت، مهارت را به ارزش و ارزش را به فرصت تبدیل کنند.



کنسله»؛ این‌ها معیارهای الکی و پوچ است. وی تأکید می‌کند: «من آمدم در این دنیا که همسر خوبی باشم، پدر خوبی باشم، فرزند خوبی باشم. اما دافقه مردم این شده که همه طبل‌کراند؛ «تا زن خوب بگیرم بیاد، شوهر خوب بگیرم بیاد، بچه خوب بگیرم بیاد، پدر و مادرم باید خوب باشند...» در حالی که در زندگی، عرصه

صفحه ۱۰

سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵
۱۰ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۴۱

آینده باید دانش‌آموزی تربیت کند که از هوش مصنوعی نترسد، آن را کورکوانه ندانید، بلکه آن را آگاهانه، خلاقانه و مسئولانه به خدمت یادگیری و زندگی خود درآورد.

**«مدرسه زندگی» چگونه می‌تواند الگوی جدیدی برای آموزش‌وپرورش باشد؟**
برای آغاز این تحول می‌توان طرحی ملی با عنوان: مدرسه زندگی؛ مدرسه مهارت، انسان‌سازی و کارآفرینی مطرح کرد. مدرسه نباید فقط محلی برای انتقال کتاب و آمادگی برای امتحان باشد؛ مدرسه باید نخستین محیط واقعی زندگی اجتماعی دانش‌آموز باشد. جایی که دانش‌آموز در آن یاد بگیرد چگونه فکر کند، چگونه ارتباط برقرار کند، چگونه تصمیم بگیرد، چگونه مسئولیت بپذیرد و چگونه برای حل مسائل زندگی آماده شود.

مدرسه زندگی، مدرسه‌ای است که در کنار آموزش علوم و دانش، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی، مالی، رسانه‌ای و حرفه‌ای را نیز به دانش‌آموز می‌آموزد. دانش‌آموز باید بتواند آموخته‌های خود را در زندگی واقعی به کار بگیرد و از مدرسه با توانایی مواجهه با مسائل واقعی جامعه خارج شود.

در چنین مدرسه‌ای، انسان‌سازی جایگاه ویژه‌ای دارد. هدف آموزش فقط تربیت نیروی کار نیست؛ بلکه پرورش انسانی مسئول، اخلاق‌مدار، خلاق، مستقل، پرسشگر، تاب‌آور و مشارکت‌جو است؛ انسانی که هم برای زندگی شخصی خود تصمیم درست بگیرد و هم نسبت به جامعه و محیط پیرامون خود احساس مسئولیت داشته باشد.

از سوی دیگر، کارآفرینی نباید صرفاً به معنای راه‌اندازی کسب‌وکار یا شرکت تلقی شود. روحیه کارآفرینی یعنی دیدن مسئله، پیدا کردن فرصت، ارائه راه‌حل، خلق ارزش و تبدیل ایده به عمل. این روحیه باید از سال‌های مدرسه و متناسب با سن دانش‌آموزان شکل بگیرد.

در مدرسه زندگی، دانش‌آموز می‌تواند با پروژه‌های واقعی، فعالیت‌های گروهی، تجربه‌های اجتماعی، کارهای عملی، آشنایی با مشاغل، فناوری، کسب‌وکار و مسائل جامعه روبه‌رو شود. مدرسه می‌تواند با دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنعت، مراکز نوآوری و کارآفرینان ارتباط برقرار کند تا دانش‌آموز آینده را فقط از طریق کتاب نشناسد، بلکه بخشی از آن را تجربه کند.

مدرسه موفق، مدرسه‌ای نیست که فقط دانش‌آموز باسواد تحویل جامعه بدهد؛ مدرسه‌ای است که انسان توانمند، مسئول، ماهر، خلاق و آماده زندگی تربیت کند.

در نهایت، باید به این پرسش اساسی پاسخ داد: آیا مدرسه فرزندان ما را فقط برای امتحان و گرفتن کتاب آماده می‌کند، یا برای زندگی، کار، مسئولیت‌پذیری و ساختن آینده؟

**با این اوصاف تحول آموزش‌وپرورش چگونه خواهد بود؟**

تحول آموزش‌وپرورش ایران صرفاً با تغییر چند کتاب درسی یا افزایش ساعات آموزشی اتفاق نمی‌افتد. ما نیازمند تغییر فلسفه یادگیری هستیم. نسل امروز باید برای چپانی آماده شود که در آن تغییر، فناوری، رقابت و فرصت با سرعت زیادی در حال افزایش است.

بنابراین هدف نهایی آموزش‌وپرورش نباید صرفاً تربیت دانش‌آموزانی باشد که بتوانند در یک آزمون موفق شوند؛ بلکه باید انسان‌هایی تربیت شوند که بتوانند در زندگی موفق باشند انسان‌هایی که خوششان را بشناسند، درست فکر کنند، درست انتخاب کنند، مسئولیت‌پذیر باشند، با دیگران ارتباط سالم برقرار کنند، مشکلات را حل کنند، از شکست نترسند، ایده خلق کنند، کارآفرین باشند و برای جامعه خود ارزش بیافزینند.

بناید شادان مأموریت جدید آموزش‌وپرورش را در یک جمله خلاصه کرد: «مدرسه باید انسان را برای زندگی آماده کند، نه فقط برای امتحان؛ برای خلق آینده آماده کند، نه فقط برای یافتن شغل؛ و برای انسان بودن تربیت کند، نه فقط برای باسواد شدن.»

آینده ایران از کلاس درس آغاز می‌شود؛ و اصلاح آموزش‌وپرورش، مهم‌ترین سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ساختن آینده کشور است.

جوانان باید برای یک انتخاب درست در نظر بگیرند، این نکته توضیح می‌دهد: «اولین معیار دافقه جوانان را به دافقه معقول برگرداند؟ دوستی در پاسخ به این سؤال با تأکید بر نقش آموزش و پرورش می‌گوید: «آموزش و پرورش باید روی مهارت‌های قبل از ازدواج و مهارت‌های ازدواج کار کند. بچه‌ها باید می‌چیز شوند. من بارها گفت‌ام ما همه تعمیر کار نیستیم؛ ولی یک آچار فرانسه داریم که کارمان را راه می‌اندازد. به همین اندازه باید بچه‌هایمان را مجهز کنیم.»

وی در ادامه به نقش رسانه و بلندگوهای سالم جامعه اشاره می‌کند و می‌افزاید: «سخنرانان، خطیب‌ها و کسانی که در فضای مذهبی دستنی بر آتش دارند، باید فعال شوند و مردم، بچه‌ها و نسل ما را هوشیار کنند.»

از نگاه وی، والدین هم باید بلد باشند با این نسل که الان ازدواج می‌کند، چگونه برخورد کنند و اگر انتخاب غلط داشت، چطور توجیهش کنند. وی ادامه می‌دهد: «گاهی بچه‌ها به لج پدر و مادر، متأسفانه انتخاب غلط می‌کنند، چون پدر و مادر بلد نبوده‌ند با این بچه چطور برخورد کنند و در برابر عشق و علاقه فرزندشان، یک حرکت فوق‌العاده وحشتناک انجام داده‌اند، پس این بچه حالت تدافعی گرفته و برای دفاع از خودش دست

به هر اقدامی می‌زند و آخرش هم به طلاق و جدایی منتهی‌ماد. پس خانواده، مدرسه، رسانه، بلندگوهای سالم و فضای مجازی همه باید دست به دست دهند و این فضا را همه‌جانبه بالایش کنند.»

**معیارهای صحیح برای یک زندگی پایدار**

اما معیارهای درست و عقلانی برای یک انتخاب درست و یک ازدواج و زندگی مشترک فقط ظاهر

دوستی درباره مهم‌ترین معیارهایی که